

فاطمه کتابی خبرنگار گروه دانشگاه

در حاشیه «کنگروه دانشمندان جوان» در مسوچی، جایی که نگاه‌ها معمولاً به دستاوردهای فناوریانه دوخته می‌شود، این بار پژوهشگران حوزه علوم انسانی و اجتماعی در مرکز توجه نشستند؛ نخستین مجیم بریکس در این حوزه صحنه‌ای برای بازتعریف نقش انسان در جهانی بود که با شتاب دیجیتالی می‌شود. در این رویداد، نمایندگان ایران رضا

علوم اجتماعی در کانون سیاست علم بریکس

دربی برگزاری نخستین مجمع علوم اجتماعی و انسانی بریکس، ایران با حضوری نهادی و سیاست‌محور در این رویداد مهم بین‌المللی نقش آفرینی کرد؛ حضوری که سرپرستی آن بر عهده رضا حافظی، عضو هیئت علمی و مدیر گروه مطالعات آینده علم و فناوری مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور بود. حافظی که از سوی مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست‌جمهوری به‌عنوان سرپرست هیئت ایرانی معرفی شده بود، با تأکید بر تحلیل علمی و تجربه سیاست‌گذاری‌نه‌روایت شخصی –تلاش کرد جایگاه علوم اجتماعی را در سیاست علم وفناوری بریکس برجسته سازد.



به نظر می‌رسد همکاری‌های علمی و فناوریانه بریکس فعال‌تر از گذشته دنبال می‌شود؛ درخصوص ابعاد این همکاری‌ها توضیح دهید.

در سال‌های اخیر، همکاری‌های علمی وفناورانه در چهارچوب بریکس وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ در مرحله‌ای که در آن، تمرکز صرف بر تولید علم یا توسعه فناوری، جای خود را به توجه عمیق‌تر به حکمرانی علم، پیامدهای اجتماعی نوآوری و نقش اعتماد عمومی داده است. تجربه کشور‌های عضو نشان می‌دهد بدون درک‌بسترهای اجتماعی، نهادهای فرهنگی، حتی پیشرفته‌ترین فناوری‌ها نیز با چالش پذیرش و پایداری مواجه می‌شوند. از همین رو، بریکس به تدریج در حال بازتعریف نسبت میان علم، فناوری، جامعه و سیاست‌گذاری است.

علوم اجتماعی در این بازتعریف چه جایگاهی پیدا کرده‌اند؟

در این چهارچوب، علوم اجتماعی و انسانی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی این بازتعریف

شهره نصری، عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور یکی دیگر از شرکت‌کنندگان ایرانی در نخستین «مجمع پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی بریکس» بود. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» بازتعریف همکاری‌های علمی میان اعضا و ارتقای حکمرانی، اعتماد اجتماعی و نوآوری باتکیه بر علوم انسانی و اجتماعی به‌عنوان زیربنای توسعه پایدار را از جمله محورهای اصلی این رویداد علمی قلمداد می‌کند.

از نگاه شما این گردمهایی چه تصویری از وضعیت همکاری‌های علمی میان کشورهای عضو ارائه داد؟

نخستین «مجمع پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی بریکس» نقطه عطفی در تاریخ همکاری‌های علمی این بلوک نوظهور بود. مباحث مطابق دستور کار بریکس ۲۰۲۵ از دو محور اصلی دنبال شد: نخست، علوم انسانی و اجتماعی در عصر جهانی شدن با تمرکز بر تحولات اجتماعی و اقتصادی، تغییر نهاده‌ا و چالش‌های توسعه پایدار و شناسایی بهترین راهکار‌ها برای مواجهه با مسائل اجتماعی و جهانی و دوم، علم‌سنجی و ارزیابی پژوهش و توسعه با محوریت سیاست‌های علم وفناوری، شاخص‌های کمی و کیفی ارزیابی و تلاش مشترک کشورهای بریکس برای تدوین رویکردی هماهنگ در سنجش پیشرفت‌های علمی، علوم انسانی و اجتماعی نه‌در قالب پیوست‌نرم‌سیاست‌های فناورانه، بلکه به‌عنوان زیرساختی (اهم‌دی برای حکمرانی آینده توسعه پایدار در مرکز بحث قرار گرفت. این اتفاق معنایی عمیق و راهبردی دارد «علوم انسانی و اجتماعی» همان‌طور که باید، از حاشیه» به «متن» آمدو امروز بر صحنه سیاست‌گذاری ایستاده است. در فضای تصمیم‌سازی، همچنان دیده می‌شود که ارزش علوم انسانی و اجتماعی غالباً تنها از به منطف اقتصادی کوتاه‌مدت سنجیده می‌شود. بااین همه، تحولات جهانی ما را به دوره‌ای تازه می‌برد که در آن محور نوآوری از صرف فناوری به درک انسان، روایت‌ها، محاورسرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی جابه‌جاشده است. توسعه پایدار و حکمرانی مؤثر، امروز نه فقط به فناوری، بلکه به اعتماد، اخلاق، هویت مشترک و فهم عمیق‌تر جوامع وابسته است و علوم انسانی و اجتماعی توان خلق و تقویت آن‌ها را دارد؛ بدون این‌ها نه صنعتی پایدار شکل می‌گیرد، نه حکمرانی هوشمند و نه توسعه‌ای فراگیر. به بیان دیگر، در جهانی که با چالش‌های پیچیده اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی روبه‌رو است، علوم انسانی و اجتماعی همچون قلب تپنده فهم ما از «انسان» و «جامعه» عمل می‌کند. تنها از مسیر این دانش هاست که می‌توان از روایت‌های تک‌سویه و تحمیلی عبور کرد و به‌سوی گفت‌وآنی متوازن، عادلانه و چندصدایی گام برداشت.

هیئت ایرانی حاضر در این مجمع بر چه نکاتی تأکید داشت؟

من و همکارانم از ایران (دکتر پروانه آقائی و دکتر رضا حافظی) در طول سه روز در نشست‌های مختلفی حضور داشتیم و پیام محوری ما این بود که علوم انسانی و اجتماعی با شیوه‌های متنوع ارزش آفرینی، به حل مسائل جامعه‌یاری می‌رساند و رسالت بنیادین خود را محقق می‌کند. افزون بر این، از نگاه ما «اعتماد» بنیان اساسی است که آینده‌نگری، نوآوری و سرمایه‌انسانی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. هدف بریکس نظیر سایر اتحادیه‌ها، ایجاد نظام‌هایی مبتنی بر اعتماد است که در آن مردم در فرایند تحول دیجیتال احساس امنیت و مشارکت داشته باشند و از رهگذر آن آینده‌ای شکل گیرد که جامعه بتواند واقعاً به آن باور داشته باشد.

بسه‌طور خاص، ذیل یکی از محورهای مجمع با مضمون «افق‌های همکاری بریکس در علوم انسانی و اجتماعی»، سخنرانی مشترک من و همکارم دکتر آقایی با عنوان «از در پیچه یک عینک چهارلنزی: همکاری راهبردی بریکس در مواجهه با ابرچالش‌های علوم انسانی و اجتماعی» چهارچوبی دویعدی ارائه داد که بحث ارزش آفرینی علوم انسانی و اجتماعی را بازتعریف می‌کند و به‌دورسش بنیادی پاسخ می‌دهد: چه نوع ارزشی و برای چه کسانی؟ این چهارچوب نشان می‌دهد ارزش در علوم انسانی صرفاً با بازار محور با فرهنگی نیست؛ بلکه چهار مسیر متفاوت ایجاد ارزش دارد. ارزش‌های ذاتی و معنایی که سرمایه فرهنگی و هویتی را تقویت می‌کنند، ارزش‌های ابزاری در سطح عمومی که به حل مسائل روزمره و شران مربوطند، ارزش‌های حرفه‌ای که زیرساخت‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری را تقویت می‌کنند و ارزش‌های خلاق که در کنار فناوری، مسیرهای تازه‌ای برای زندگی و کسب‌وکار می‌گشایند. این رویکرد چهارلنزی زمانی اهمیت حیاتی پیدا می‌کند که کشور‌ها با ابرچالش‌هایی مانند اخلاق هوش مصنوعی، شکاف دیجیتالی، مهاجرت‌نخبگان، بحران اعتماد اجتماعی یا

حافظی، شهره نصری و پروانه آقائی، اعضای هیئت علمی مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور با طرح ایده‌هایی از جنس آینده‌نگری و حکمرانی علمی، تلاش کردند جایگاه علوم انسانی را در معماری نوین سیاست‌گذاری بریکس پررنگ‌تر کنند. آنچه هیئت ایرانی در این نشست مطرح کرد تنها مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های فنی یا آکادمیک نبود؛ بلکه بیشتر شبیه تلاشی هدفمند برای یادآوری یک حقیقت مغفول‌مانده بود. اینکه بدون «اعتماد» هیچ آینده‌ای در پیشرفته‌ترین زیست‌بوم‌های نوآوری

مطرح نشده‌اند. اسناد و بیانیه‌های رسمی بریکس طی سال‌های اخیر به‌روشنی بر این نکته تأکید دارند که سیاست علم وفناوری، بدون توجه به رفتار اجتماعی، سرمایه انسانی و اعتماد نهادی، به تصمیم‌هایی کوتاه‌مدت و گاه پرهزینه منجر خواهد شد. علوم اجتماعی در این نگاه، نه یک حوزه‌محدود، بلکه بخشی از زیرساخت حکمرانی علم وفناوری تلقی می‌شود.

درخصوص نخستین مجمع علوم اجتماعی و انسانی بریکس توضیح دهید. این نشست با چه هدفی برگزار شد و حضور هیئت ایرانی در این مجمع چگونه بود.

برگزاری نخستین مجمع علوم اجتماعی و انسانی بریکس، هم‌زمان با نشست گروه‌کاری مربوطه، پاسخی نهادی به همین نیاز ساختاری بود. این مجمع برای نخستین بار بستری رسمی فراهم کرد تا کشور‌های عضو در باره نقش علوم اجتماعی در سیاست‌گذاری علم وفناوری، ارزیابی عملکرد علمی، سنجش پیشرفت و مدیریت پیامدهای اجتماعی تحول دیجیتال به گفت‌وگویی منسجم وارد شوند. اهمیت این رویداد در آن است که علوم اجتماعی و انسانی از حاشیه مباحث فناوریانه خارج شده و به متن گفت‌وگوهای راهبردی بریکس ر یافته‌اند است.

هیئت جمهوری اسلامی ایران با حمایت مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست‌جمهوری که مسئولیت ملی مدیریت و پیگیری موضوعات مرتبط با علم، فناوری و نوآوری در بریکس را بر عهده دارد، در این مجمع حضور یافت. این حمایت، حضور ایران را از سطح مشارکت فردی فراتر برد، او را در قالب یک نقش نهادی و سیاست‌محور تعریف کرد.

در سخنرانی افتتاحیه هیئت ایرانی، تمرکز اصلی بر این نکته قرار داشت که هیچ مسیر توسعه‌ای بدون شناخت دقیق جامعه، رفتار اجتماعی و الگوهای اعتماد عمومی پایدار نخواهد بود. علوم اجتماعی و انسانی در این چهارچوب، نه صرفاً ابزار تحلیل گذشته، بلکه سازوکاری برای جهت‌دهی آگاهانه به آینده معرفی شدند. اشاره به میراث فکری

فرسایش هویت فرهنگی مواجه می‌شوند؛ چراکه دیگر یک نسخه واحد برای همه مسائل کفایت نمی‌کند و وزن راه‌حل‌های مبتنی بر علوم انسانی افزایش می‌یابد.

شما در جریان این مجمع به چه موضوعاتی پرداخته‌اید و انگیزتان از طرح آن‌ها چه بود؟

من و همکارانم دستور کار علمی و پیشنهادهایی را برای تعمیق همکاری‌های علمی و سیاستی میان کشور‌های عضو مطرح کردیم. در میان مهم‌ترین اقدام‌های پیشنهادی، تدوین «منشور بریکس در حکمرانی هوش مصنوعی» به‌عنوان سندی پایه برای شکل‌دهی اصول مشترک اخلاقی و حقوقی در مدیریت و توسعه این فناوری؛ ایجاد «هاب آینده‌پژوهی بریکس» به منظور رصد تحولات نوظهور و توسعه سناریوهای راهبردی جهت تصمیم‌سازی دقیق و تشکیل «وزیرگروه سنجش‌ها و آنتربریکس» با هدف طرف‌شخص‌های بومی ارزیابی علم وفناوری پیشنهاد شد. همچنین برای تضمین تداوم و انسجام فعالیت‌های مشترک، پیشنهاد ایجاد سازوکار پایدار تأمین مالی از طریق تأسیس «صندوق» شورای پژوهشی بریکس در حوزه علوم انسانی و اجتماعی «ارائه شد تا پشتیبان پروژه‌های میان‌رشته‌ای و چندملیتی باشد. در نهایت، تقویت شبکه همکاری در قالب «آکادمی علوم انسانی و اجتماعی بریکس» به‌عنوان بستری برای آموزش، تبادل تخصص و تمرکز بر موضوعاتی چون اخلاق هوش مصنوعی و انسجام اجتماعی مطرح شد. در مجموع، این بسته پیشنهادی بر این پایه استوار است که بدون ایجاد زیرساخت‌های دانشی مشترک، سازوکار‌های منسجم همکاری و چهارچوب‌های دقیق برای سنجش پیشرفت، دستیابی به توسعه پایدار، متوازن و مبتنی بر عدالت علمی امکان‌پذیر نیست. این اقدامات می‌توانند به شکل گسترده منظم به همکاری نوین در بریکس کمک کنند که نه تنها پاسخ‌گوی چالش‌های امروز باشد؛ بلکه توانایی مواجهه با مسائل پیچیده آینده را نیز داشته باشد.

به نظر شما تداوم تعاملات علمی ایران با کشور‌های عضو بریکس چه ظرفیت‌هایی برای توسعه علم، فناوری و نوآوری کشور ایجاد می‌کند؟

حضور در مجامع بین‌المللی به‌ویژه در قالب همکاری‌های نوظهور نظیر بریکس و در چهارچوب تقویت همکاری‌های جنوب-جنوب، فرصتی است برای دیده‌شدن ظرفیت‌های علمی ایران، پررنگ‌تری گفت‌وگویی مستقیم سیاست‌گذاران علم وفناوری کشور وایقن مسیرهای همکاری که لزوماً از مدارهای غرب‌بنیان عبور نمی‌کند. این فضا زمینه انتقال تجربه، شناخت نیازهای واقعی دیگر کشور‌ها، ایجاد شبکه‌های همکاری، مشارکت در شکل‌دادن به استانداردها و سیاست‌های استاندارد و کاهش هزینه‌های آزمون و خطا در توسعه فناوری را فراهم می‌آورد. به نظر من در سطح ملی، این حضور نه فقط یک فرصت حیلیمالک، بلکه نوعی سرمایه‌گذاری در حکمرانی دانش است که می‌تواند جایگاه کشور عزیزمان ایران در نقشه تحولات جهانی آینده تثبیت کند. تداوم این تعاملات، می‌تواند ایران را از مصرف‌کننده فناوری به مشارک راهبردی در طراحی قواعد منطقه‌ای و جهانی تبدیل کند. همکاری علمی در بریکس می‌تواند امکان‌پذیر فرب پروژه‌های مشترک، دسترسی به زیرساخت پژوهشی غیرقابل‌سترس در داخل، حضور در زنجیره ارزش نوآوری و خلق فناوری‌های بومی‌سازی‌شده را فراهم کند. همچنین موجب تنوع بخشی به شرکای علمی کشور، کاهش وابستگی، افزایش دسترسی به بازار‌های جدید و شکل‌گیری شبکه‌ای انسانی از دانشمندان و سیاست‌گذاران می‌شود که به بلندمدت ارزش راهبردی دارد.

این همکاری‌ها چگونه می‌تواند مسیر پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در ایران را تقویت یا به سمت استانداردهای جهانی نزدیک‌تر کند؟

این همکاری‌ها فرصتی برای ورود پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی ایران به ادبیات بین‌المللی، تعریف پروژه‌های تطبیقی و مقایسه‌سیاست‌ها و تجربیات کشور‌ها در موضوعاتی مانند اخلاق فناوری، هویت فرهنگی، تحول آموزش و انسجام اجتماعی را ایجاد می‌کند. از طریق شبکه و صندوق مشترک، امکان تأمین منابع مالی، تبادل پژوهشگر و استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی کشور‌های عضو فراهم می‌شود. این امر به غنای نظری، داده‌های واقعی و افزایش تأثیرگذاری نتایج پژوهش‌های ایرانی در سیاست‌گذاری ملی و فراملی کمک خواهد کرد. آینده‌فناوری بدون آینده‌انسان معنا ندارد. اگر بریکس می‌خواهد در میدان رقابت نقش‌ساز باشد، باید بر زبان، فکر، فرهنگ و اخلاقی که اوست قراست جهان فردا را قابل سکونت سازد، سرمایه‌گذاری مشترک کند. همکاری و سرمایه‌گذاری در علوم انسانی نه یک اقدام تجملی، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر و زیرساختی نظام حکمرانی است؛ چراکه مستقیماً با حوزه‌های امنیت ملی، توسعه پایدار، شکل‌دهی هویت فرهنگی و اجتماعی و جهت‌دهی به توسعه نوآوری و پذیرش فناوری‌ی‌خوره‌است.

دوام نمی‌آورد. نمایندگان کشورمان با همین رویکرد، زنگ خطری را به صدا درآوردند و هشدار دادند اگر اعتماد اجتماعی و نهادی تقویت نشود، سیاست‌گذاری علمی در کشور‌های بریکس ناگزیر به واکنش‌های کوتاه‌مدت و بی‌ثباتی در نوآوری کشیده خواهد شد. در ادامه، بسته‌ای از پیشنهاد‌های عملی را روی میز گذاشتند؛ از ایجاد «هاب آینده‌پژوهی بریکس» و تشکیل «وزیرگروه سنجش‌ها و آلت‌تریکس» گرفته تا تدوین «منشور حکمرانی هوش مصنوعی». ایده‌هایی برای انتقال همکاری‌های

فرهنگی کشور‌های بریکس، به‌عنوان سرمایه‌ای مشترک برای ساخت آینده‌ای متوازن، نشان می‌داد که مسیر بریکس لزوماً تقلید از الگوهای رایج جهانی نیست.

هیئت ایرانی در این مجمع بر «اعتماد» تأکید ویژه‌ای داشته است؛ چرا؟

در نشست‌های تخصصی روز نخست، بحث‌ها به پیوند میان آینده‌نگری، سیاست علم وفناوری و نظام‌های ارزیابی علمی معطوف شد. در این بخش، مسئله «اعتماد» به‌عنوان یکی از عوامل مغفول‌مانده در بسیاری از نظام‌های نوآوری برجسته شد. استدلال اصلی ما در این نشست آن بود که تا‌کامی بسیاری از سیاست‌های فناورانه نه ناشی از کمبود داده یا برنامه، بلکه نتیجه ناهماهنگی میان تصویر آینده، شیوه سنجش وضعیت موجود و ابزار‌های مداخله‌سیاستی است. این ناهماهنگی، به فرسایش اعتماد اجتماعی و تضعیف مشروعیت تصمیم‌ها منجر می‌شود.

در این چهارچوب به نقش سنجش‌های علمی و فناورانه نیز نگاه انتقادی شد. تأکید شد که سنجش‌ها در اصل برای یادگیری و بهبود طراحی شده‌اند، اما در عمل به هدف تبدیل شده و رفتار‌های انحرافی را تقویت کرده‌اند. تمرکز صرف بر کمیت تولیدات علمی، بدون توجه به کیفیت، بلوغ فناوری و ارزش اجتماعی نه تنها به بهبود سیاست‌گذاری کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف کند. بازنگری در منطق سنجش یکی از محور‌های مشترک مورد توجه کشور‌های عضو بود.

در روز دوم، تمرکز مباحث به‌سرمایه انسانی و پیامدهای اجتماعی تحول دیجیتال منتقل شد. در این نشست‌ها، بر این نکته تأکید شد که شتاب تحول دیجیتال اگر با شفافیت، گفت‌وگوی اجتماعی و آمادگی نهادی همراه نباشد، به‌جای توانمندسازی جامعه، اختلال و مقاومت اجتماعی ایجاد می‌کند. شکاف‌های مهارتی، نگرانی‌های مربوط به عدالت و ضعف ارتباط میان نهاده‌ا و جامعه از جمله چالش‌هایی بودند که در تجربه بسیاری از کشور‌های بریکس مشترکند. در این چهارچوب، آینده‌نگری به‌عنوان ابزاری برای کاهش اضطراب اجتماعی و افزایش آمادگی معرفی شد؛ به‌عنوان ابزار



ارزیابی شما از «نشست پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی بریکس» که در سوچی برگزار شد، چیست؟

این مجمع نخستین رویداد رسمی بریکس در این حوزه علمی بود و در راستای اعلامیه‌های مختلف بریکس از جمله اعلامیه علم، فناوری و نوآوری بریکس مسکو در سال ۲۰۲۴ و اعلامیه علم، فناوری و نوآوری بریکس برای اقدام‌های ۲۰۲۵ برگزار شد، اهمیت زیادی در راستای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی داشت. نشست مذکور به‌ویژه در چهارچوب اهداف بلندمدت بریکس برای تقویت همکاری‌ها در علم، فناوری و نوآوری (STD) قرار داشت و تأکید داشت علوم انسانی و اجتماعی نقش کلیدی در شکل‌دهی به سیاست‌ها و چالش‌های اجتماعی کشور‌های بریکس دارند.

محورهای اصلی نشست چه بود؟

مباحث مطرح‌شده در این نشست حول دو محور اصلی، به‌ویژه در راستای دستور کار بریکس در سال ۲۰۲۵، شکل گرفت: محور اول با عنوان «پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در کشور‌های بریکس در عصر جهانی شدن» بر تحولات اجتماعی، اقتصادی، تغییرات نهادها و ساختار‌های اجتماعی و چالش‌های توسعه پایدار تمرکز داشت. در این راستا، به شناسایی بهترین شیوه‌ها و اقدامات در راستای پاسخ‌گویی به چالش‌های اجتماعی و جهانی پرداخته شد و محور دوم با عنوان «علم‌سنجی و ارزیابی پژوهش و توسعه»، به مباحث مربوط به ارزیابی سیاست‌های علم وفناوری، به‌ویژه در زمینه ارزیابی علمی و شاخص‌های کمی و کیفی علم وفناوری پرداخت. در این محور، کشور‌های شاخص به همکاری در زمینه طراحی و رویکرد مشترک برای سنجش پیشرفت‌های علمی پرداختند.

ارزیابی شما از نشست اخیر و مهم‌ترین فرصت‌های آن چیست؟

از دیدگاه من، این نشست فرصت مغتنم‌ای شبکه‌سازی و ارتقای همکاری‌های علمی میان کشور‌های عضو بریکس بود. مهم‌ترین دستاوردها و نکات قابل‌توجه شامل تأسیس کارگروه پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی بریکس (WG) و تدوین نقشه راه برای همکاری‌های بیشتر در این حوزه بود. این گروه به‌ویژه در حوزه‌های آینده‌پژوهی، ارزیابی پژوهش‌ها، توسعه شاخص‌های علمی و چگونگی مواجهه با ابرچالش‌های حوزه علوم اجتماعی و انسانی پیشنهادی را مطرح کرد که می‌تواند در بهبود سیاست‌گذاری‌های علمی در کشور‌های عضو مؤثر باشد.

شما در این نشست چه موضوعاتی را مطرح کردید و چرا این پیشنهادها را مهم یا ضروری دانستید؟

در نشست‌های ترتیب داده شده ذیل این مجمع، من و همکارانم (دکتر شهره نصری و دکتر رضا حافظی) پیشنهادهایی را ارائه دادیم، از جمله این پیشنهادها می‌توان به تدوین «منشور بریکس در حکمرانی هوش مصنوعی»، ایجاد «هاب آینده‌پژوهی بریکس» و تشکیل «وزیرگروه سنجش‌ها و آلت‌تریکس» برای توسعه شش‌صحن‌های ارزیابی علم وفناوری اشاره کرد. همچنین در خصوص ایجاد سازوکار پایدار تأمین مالی، از طریق تأسیس «صندوق آموزشی پژوهشی بریکس در حوزه علوم انسانی و اجتماعی» و تقویت شبکه همکاری‌های نهادی علمی و آموزش در قالب «آکادمی علوم انسانی و اجتماعی بریکس» برای تمرکز بر چالش‌هایی چون اخلاق هوش مصنوعی، شکاف دیجیتال و انسجام اجتماعی پیشنهاد‌های را مطرح کردیم. این پیشنهادها براین اساس ارائه شد که بدون ایجاد زیرساخت‌های علمی مشترک و چهارچوب‌های دقیق برای سنجش پیشرفت علمی، نمی‌توان به یک توسعه پایدار و متوازن دست یافت.

می‌توانید جزئیات بیشتری درباره مباحث مطرح‌شده و نحوه ارائه آن‌ها بیان کنید؟

پیشنهاد مشترک من و دکتر نصری در ارائه‌ای با عنوان «از در پیچه یک عینک چهارلنزی: همکاری راهبردی بریکس در مواجهه با ابرچالش‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی» بود. در بسیاری از محافل سیاست‌گذاری، علوم اجتماعی و انسانی (SSH) هنوز اغلب بر اساس معیارهای اقتصادی کوتاه‌مدت

هیئت ایرانی در نخستین مجمع علوم اجتماعی و انسانی بریکس چه پیشنهاد‌هایی مطرح کردند؟ «فرهیختگان» گزارش می‌دهد

شکل‌دهی به آینده علم وفناوری در خدمت توسعه انسانی

علمی بریکس از سطح گفت‌وگو و مذاکره به مرحله اقدام و نهادسازی که نشان می‌دهد ایران به دنبال نقشی تشریفاتی نیست؛ هدف، ساختن زیرساختی ماندگار برای همکاری‌های بلندمدت است. در ادامه با رضا حافظی، پروانه آقائی و شهره نصری، نمایندگان ایران در نشست اخیر و اعضای هیئت علمی مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور رخصوص ایده‌های مطرح‌شده و ضرورت مشارکت علمی در مجمع بریکس به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه مشروح آن را انظر می‌گذارانید.

پیش‌بینی دقیق، بلکه به‌عنوان سازوکاری برای گفت‌وگویی صادقانه در باوعدم قطعیت‌ها و مسیر‌های محتمل آینده. سیاست‌های سرمایه‌انسانی زمانی ارزشش خواهد بود که بر چنین درکی از آینده و جامعه استوار باشند.

چه پیشنهاد‌های از سوی ایران مطرح شد؟

در روز بایانی بنده مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های عملی را به نمایندگی از ایران مطرح کردم که قرار است در آخرین نشست دوره ریاست برزیل در پایان ماه‌سامبر سال جاری به‌صورت رسمی بررسی شود. این پیشنهادها شامل ایجاد یک هاب مشترک آینده‌نگری ذیل گروه کاری علوم اجتماعی و انسانی، بازنگری در سنجش‌های ارزیابی علم وفناوری با تأکید بر کیفیت و ارزش اجتماعی و ثبت نشست حضوری ایران در بهار ۲۰۲۶ در تقویم رسمی بریکس بود. همچنین آمادگی ایران برای میزبانی مجمع آتی علوم اجتماعی و انسانی در سال ۲۰۲۷ اعلام شد. با پایان دوره ریاست برزیل، ریاست دوره‌ای بریکس به هند واگذار خواهد شد.

چه چشم‌اندازی برای ادامه همکاری‌ها وجود دارد؟

انتقال ریاست دوره‌ای می‌تواند زمینه‌ساز تداوم و تعمیق گفت‌وگوهای آغازشده در حوزه علوم اجتماعی، سیاست علم وفناوری و سرمایه انسانی باشد. پیشنهاد‌های ایران نیز در همین چهارچوب، با هدف تقویت حکمرانی پیش‌نگره و افزایش هم‌افزایی میان کشور‌های عضو ارائه‌شده است. نخستین مجمع علوم اجتماعی و انسانی بریکس نشان داد که آینده همکاری‌های علمی، بیش از آنکه به رقابت فناورانه وابسته باشد، به توان کشور‌ها در فهم جامعه، مدیریت علم و قطعیت و بازسازی اعتماد عمومی گره خورده است. نقش آفرینی ایران در این مسیر با پشتوانه نهادی و رویکردی علمی، تلاشی است برای مشارکت فعال در شکل‌دهی به آینده‌ای که علم وفناوری در خدمت توسعه انسانی و منافع جمعی قرار می‌گیرد.

و محدود قضاوت می‌شوند که این موضوع موجب اتمام «علم کارآمدی» به

این حوزه‌ها می‌شود. این رویکرد که ارزش را به «ارزش آفرینی اقتصادی» تقلیل می‌دهد، پژوهشگران SSH را از انجام فعالیت‌های هم‌راستا با مأموریت و جریان اصلی رشته‌های خود باز می‌دارد و آن‌ها را مجبور می‌کند برای جذب حمایت‌ها به‌زبان صحبت کنند که به آن تعلق ندارند. با این حال، در آستانه انقلاب صنعتی پنجم که بر محور انسان قرار دارد، نوآوری به‌طور فزاینده‌ای به معنا، فرهنگ و اعتماد اجتماعی وابسته است. این سخنرانی با ارائه چهارچوبی دویعدی (در پاسخ به دو سؤال چه نوع ارزشی و برای چه کسانی؟)، بحث ارزش آفرینی SSH را با بازتعریف می‌کند و نشان می‌دهد علوم اجتماعی و انسانی چگونه از مسیر‌های متفاوتی ارزش ایجاد می‌کنند و می‌توانند از این مسیر‌ها در مواجهه با ابرچالش‌ها نقش آفرینی کنند، سپس از این چهارچوب چهارلنزی جهت تدوین دستور کار همکاری مشخص در مواجهه با ابرچالش‌های حوزه انسانی و اجتماعی برای کشور‌های عضو بریکس استفاده می‌کند. اهم پیشنهاد‌های عملیاتی این ارائه در سه‌بند قابل‌تصریح است: اول تأسیس «صندوق آموزشی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی»؛ این صندوق، آشوب را با مأموریت حمایت ویژه از پژوهش‌های بنیادین و خلاقانه علوم اجتماعی و انسانی تأسیس خواهد شد که اگرچه سهم تعیین‌کننده‌ای در تقویت تولیدات فکری و فرهنگی جوامع دارند، به دلیل ماهیت غیرتجاری و یازدهی بلندمدت، غالباً مورد غفلت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی قرار می‌گیرند. موفقیت پروژه‌های تحت پوشش این صندوق، با معیارهای فراتر از شاخص‌های کمی و سرسوم و با محوریت تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و حکمرانی ارزیابی خواهد شد. دومین پیشنهاد تدوین «منشور حکمرانی هوش مصنوعی بریکس» بود. در راستای این پیشنهاد یک کارگروه تخصصی تشکیل از حقوق‌دانان، فیلسوفان اخلاق و ارزیابان فناوری از کشور‌ها عضو تشکیل می‌شود. مأموریت اصلی این کارگروه، تدوین چهارچوب هنجاری و مبتنی بر ارزش‌های مشترک برای توسعه و کاربرد مسئولانه این فناوری است که حکمرانی هوش مصنوعی را که همسو با ارزش‌ها، تنوع فرهنگی و منافع راهبردی جامعه بریکس باشد، تقویت می‌کند و تأسیس «آکادمی علوم انسانی و مطالعات تمدنی بریکس با تمرکز بر ابرچالش‌های حوزه علوم انسانی» سوسین پیشنهاد عملیاتی این ارائه بود. این آکادمی به‌عنوان شبکه‌ای فراگیر از دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و اندیشکده‌های کشور‌های عضو بریکس عمل خواهد کرد. هدف غایی آن، بازخوانی، نقد و بازتولید مفاهیم بنیادین علوم انسانی از منظر گفت‌وآنها چنان چندقطبی و ارائه پاسخ‌های بدیع به ابرچالش‌های مشترک پیش‌روی کشور‌های عضو از طریق تبادل استاد و دانشجو و تشکیل شبکه‌های همکاری علمی است.

واکنش‌ها نسبت به پیشنهاد‌های هیئت ایرانی چگونه بود؟

واکنش شرکت‌کنندگان و نمایندگان کشورهای مختلف در برابر پیشنهاد‌ها و مباحث مطرح‌شده مثبت و سازنده بود. کشورهای مختلف بریکس تمایل خود را به همکاری‌های بیشتر در زمینه پیشنهاد‌های طرح شده نشان دادند، همچنین آن‌ها پیشنهاد‌هایی داشتند که با هیئت ایرانی در میان گذاشتند و برای همکاری از آن‌ها دعوت کردند. واکنش‌ها نشان داد کشور‌های عضو بریکس همگی به این نتیجه رسیدند که برای حل چالش‌های جهانی، همکاری‌های علمی و بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

از نگاه شما، حضور در چنین محافل بین‌المللی چه آورده‌ها و مزایایی برای مشارکت‌کنندگان و برای کشور دارد؟

حضور در چنین محافل بین‌المللی می‌تواند برای ایران چندین مزیت و فرصت فراهم آورد؛ یکی از مهم‌ترین این مزایا، تقویت روابط علمی و فناوری ایران با کشور‌های قدرتمند و نیز در حال‌توسعه است. از سوی دیگر، این نوع همکاری‌ها می‌تواند به پیشبرد پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی و ایران کمک کند، به‌ویژه با توجه به چالش‌های مشترک کشور‌های بریکس در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فناوری. تعاملات مستمر با کشور‌های عضو بریکس می‌تواند به ارتقای ظرفیت‌های تحقیقاتی و علمی کشور کمک و به‌ویژه در حوزه‌های جدیدی مانند اخلاق هوش مصنوعی و شکاف دیجیتال، جایگاه ایران را در سطح بین‌المللی تقویت کند. علاوه بر این، ایجاد فرصت‌های همکاری علمی برای شرکت‌کنندگان، به تنوع و شمول بیشتر پژوهش‌های آن‌ها در سطح جهانی کمک خواهد کرد. در نهایت، این همکاری‌ها می‌تواند به تسریع پیشرفت‌های علمی و فناوری در ایران کمک کند و به ارتقای جایگاه کشور در نظام جهانی علم و نوآوری منجر شود. تداوم تعاملات علمی با کشور‌های بریکس فرصتی است که می‌تواند برای کشور در راستای توسعه سیاست‌های نوین علمی و اجتماعی و همچنین ارتقای جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی بسیار مؤثر باشد.